

در باره ایلیا نوشته ای است که در کتاب ملاکی می باشد (6-5:40) که قایل بوده هم یهودیان و هم مسیحیان است و این آفرین بیغای است که در عهد قدیم کتاب یهودیان نوشته شده

و آنان چنین تعبیر کرده اند که اول ایلیا خود را به مردم ظاهر فرمود کرد و بعد از آن عیسی مسیح ظهور فرمود کرد

ظهور ایلیا 250 سال قبل از ملاکی بنی و در زمان هرج و مرج در تاریخ یهود است اول پادشاهان 17

بعد از پادشاهی داوود و سلیمان نفاق و شبک داهی در میان قوم یهود بود در حال پادشاهی اسرائیل و در جنوب پادشاهی یهودا وجود داشت. در زمان ایلیا پادشاهی با ایمان در جنوب بنام یوشافاط و پادشاهی بی اراده در شمال بنام آحاب بود

توصیف پادشاه به عنوان پادشاهی خوب یا بد بستگی رابطه او با خدا بود. پادشاهی که خدا درست بوز و رابطه او با خدا خوب بود مشکلاتش حل می شد و خوشحالی اجرا می شد

و آنکه خدای دیگری را می پسندد و یا با همتگان خود از دواجی کرد و خدا رستن را آزار و اذیت می آورد، محکوم می شد

گزارش این اتفاقات سالها بعد از اینکه قوم یهود به بابل به اسارت برده شدند نوشته شده است و عکس العمل اینکه کارهای بد آنها باعث اسارتشان شده است تا اینکه از خود می پرانند چرا باید در اسارت باشند و در کشور خودشان راحت باشند و از زندگی بهره نبرند

این به واضح نشان می دهد که رحیم بر با عک می کند مردم هم به راههای بد بروند و از و مسائری می خرد انگوی بگردند و دنبال او با شنند

در این موضوع ایلیا در آفرین مردم ظاهر شد و بصورت واضح مردم را پادشاه را به چالنج کشید چون از لحاظ فیزیکی ایلیا فرمی کرد واجب است که مردم به سوی خدا بازگشت کنند

در زمانی که او در مبارزه اسی با پادشاه و پیامبران جعلی بود او گفت اگر یهوه خداست پس بسوی او بازگردید و به او گوش فرما باشد

مانند پیرو سر که با هم رابطه دارند مردم هم باید اینگونه با خدا رابطه داشته باشند



در یعقوب 18-17:5 در عهد جدید دعای ایلیا به خداوند را نرسد  
این عکس الهی است نسبت به زمان موسی در تثبیت 17-16:11 و همچنین 24-23:14  
و نیز 12:14

شاید ایلیا خود را نابی اسرائیل می دانسته چون او با ویرانست قنقاع کسی است در قوم اسرائیل که به  
خداوند ایمان دارد (لا تتعاض من از قوم اسرائیل به جا مانده ام) اول پادشاهان 19-10:19

ایلیا با دید می فهمد که او تنها نیست و او هم نابی نیست بلکه هزاران است و وجود دارند که به ملک  
اعتیاج دارند و نیز ایمان دارند

بعد از ایلیا الیسع نبی که به گفته ای اولین دنباله رو ایلیا بود و پیامبری برآمده شد و  
قدرتی برابر ایلیا از طرف خداوند به او داده شد دوم پادشاهان 15-9:2 الیسع  
معجزات بزرگی کرده و او با سایر ایمان داران همکاری می کرده است

این داستان واقعی است که برای قوم اسرائیل اتفاق افتاده. در جایی که در افرات  
عمر موسی او نتوانست وارد سرزمین وعده داده شده بشود و او این مأموریت را  
به یوشع و اتزارعی کند در تثبیت 15:18 23-7:31

دو استان مورد توجه و هم از طرف خداوند به قوم اسرائیل نشان داده شده و اینکه به عنوان  
خود هم کسی بعد از او خواهد بود

کار مهم اولین خرد معرفی شده به قوم این بوده که خرد بعد از خودی را به قوم اسرائیل معرفی  
کند

این ریه در صلاکی 4 نشان دهنده این است که ایلیا قبل از آن شخص مهم دوباره ظهور  
خواهد کرد

به قوم ایود هنوز منتظرند که از طریق خداوند صیحی که به آنها قول داده شده ظهور کند  
ولی آنها می گویند مای دانیم که اول ایلیا باید بیاید

پس زمانی که عیسی تقمیر دهنده سر زکریا و الیزابت ظهور کرد مردم فیلی زود متراشیدند  
که شاید ایلیا ظهور کرده ها تصور که خدا به ملاکی وعده داده بود او اولین پیامبری بود که  
بعد از 400 سال خود را آشکار کرده بود به همین خاطر آنها فکر می کردند که عیسی



هان ایلیا می تواند باشد. عیسی یک فرد منزوی از جامعه و تنها در بیابان یا مخزانیها  
و بیابانها از ظهور بعدی خبری داد  
آیا او می تواند ایلیا باشد؟ آیا زمان روز بزرگ خدا فرارسیده است؟ آیا عیسی راه را  
برای آمدن مسیح فراهم می سازد؟

در یوحنا 34-19: نوشته شده که حاکمان یهود عیسی آمده و از او سوال کردند

۱- آیا تو مسیح هستی؟

۲- اگر نیستی پس ایلیا هستی؟

۳- اگر ایلیا هستی پس پیغمبری؟ بدین معنی که کسی مثل موسی یا یوشع که دنیا را رو سوی بود

عیسی به هر سوال جواب نه می دهد. می پرسند پس که هستی؟  
عیسی جوابشان را با مأموریتش ترفیع می دهد.

که راه را برای او آماده می کند. یکی که بعد از من می آید. می آید و بار بار سوی خدا بازمی آید و بعد از  
او می گوید که ما او باید بزرگ شود و من کوچک شوم

عیسی به واضح می گوید که او می دانسته که چه مأموریتی دارد. اگر در افکار او را ایلیا بدانند.  
در این رابطه مردم و حتی پیروان و شاگردانش برای اینکه بدانند او ایلیا است یا کتب مشکل دارند

به همین خاطر مردم یهود و زمام داران یهود منتظر اینند که هان ایلیا دوباره زنده شود هان  
ایلیای که در عهد قدیم بوده.

این منتظرانند که آیا برای روز بزرگ نحوه آماده هستند آنها خبری نداشتند که در واقع آنها  
ایلیا را فرستاده است و بعد از آن راه را برای آمدن مسیح هموار سازند.

پس اگر او (عیسی) ایلیا است پس ما و عثمان را بیست و هفت روزمان کنیم

البته راه خداوند بدین گونه نیست. کسی ما و اخبار ما را می داند؟  
خداوند به ما این آنگاه را می دهد که از پیغام او سر در بیاوریم و لیکن این موضوع  
احتمالاً به مبارزه دارد آن هم مبارزه روحانی



چونکه یحیی ایلیا است پس می توان او را در کرد (از دید موم بورد)

به همین خاطر یحیی با توحیح مأموریتش به آنها یا ع می دهد و اخبار آنها او را بخشن می سازد

ولی برای کسی که بفرمان ایمان دارد و راه فزاری داد می تواند بی برد که این جایگزینی به صورت روحانی است  
و ایلیا از نماها روحانی در جسم یحیی تکمیل دهنده فرد را آشکارا ساخته لوقا 1:17

پس اگر این شخص همان است که ملاکی نبی معرفی می کند پس می توان توقع داشت که مسیح را بعد از او دید  
اگر یحیی قطعاً آنها را غافلگیر کرد پس معرفی کردن مسیح به آنها توسط یحیی هم غافلگیر  
کننده خواهد بود

یوحنا 1 یحیی مسیح را به عنوان بره خداوند و سر خداوند و یکی از شما به مردم معرفی  
می کند

این است راه خداوند این امکان وجود دارد که راه خداوند را شناخت و توسط این شناخت  
آنها می که به خداوند تعلق دارند را نیز شناخت و این دید و شناخت به ایمان احتیاج دارد

در نتیجه اخبار انسانی این صورتها را نمی تواند ببیند چون صیغهای آنها نور دیده و کوششها  
نیز کرده در عینه این صورت می تواند استند به فواید خدا می بیند

و این صقیقت را اثبات می کند همه علامتهائی را که عیسی نشان داد و رسالت او از نزدیک  
احتیاج به ایمان ما به او دارد تا بتوانیم راه درست خدا را بشناسیم

لوقا (31-29: 16) یوحنا (38-37: 10)

عیسی بعد از اینکه شازادانش موسی و ایلیا را بکل روحانی در بابای تپه می بینند. برای آنها  
توضیح می دهد که یحیی و ایلیا در یک جسم نیستند ولی عیسی می گوید اگر شما چشم برای

دیدن دارید یحیی همان ایلیا است و مأموریتی که به نموده یحیی گذاشته شده همان

مأموریتی است که به نموده ایلیا بفرموده و در عیسی انجام شده متی 17: 1-13

و این دانسته امکان این را به شازادانش می دهد که عیسی را بشناسند همانی که بخاری از ناصره

در ریخ و مریم برادر یعقوب و مکھون و فزاهراش. همان عیسی مسیح واقعی است

سر خداوند



بعضی حافری کنند که عیسی بعد از دستگیری شروع به تکرار آن می کند و به همین خاطر کراواتش را بیس عیسی می فرستد تا از او بپرسند توهای که باید می آمدی یا اینکه ما باید منتظر دیگری باشیم لوقا 30-11:7

من به این اعتقاد دارم که عیسی خود شخصاً نمی نداشت چون او را نکرده می دانسته که باید لوقا بود عقیقه من این است که عیسی شخصی دانسته چون برخی از کراواتش او را رها کرده اند که تا عیسی را بر وی کنند در یوحنا 1 می بینیم که عیسی خود به دوک لودیس عیسی را معرفی می کند که عیسی از کراوات آن در ریاس بود و از آنهای خواهد که عیسی را بر وی کند (عیسی)

و برخی از کراواتش به او وفادار ماندند که تا او (عیسی) وعده کرد در حقیقت گفته که پس او برخی از کراواتش را بیس عیسی فرستاد تا که بدانند عیسی همان مسیح موعود می باشد یا که نه

عیسی هم گفته های که در کتاب ملاکی بود را به عنوان سبک برای عیسی بی نام می کند

برای اینکه هنوز به این سوال جواب داده نشده که آیا ایلیا یا کسی شبیه او باید قبل از بازگشت عیسی مسیح خود را نشان دهد؟

ما می دانیم که بازگشت عیسی مسیح روز بزرگ و احوال و روز خداوند نامیده شده همین ظهور که ملاکی گفته و وی جاب است که ظهور اولیه عیسی مسیح توسط عیسی به مردم معرفی کرده و با گفته و ملاکی هماهنگی و هم خوانی دارد که ظهور عیسی را روز بزرگ خداوند و روز و احوال معرفی کرده است

دو نمونه افکار در مورد ظهور ایلیا می باشد که آیا ظهور او فقط برای قوم یهود است یا اینکه برای تمامی ملت دنیا است؟

یعنی در مکاشفه (5-1-11) کسی را به ما معرفی می کند که شاهد وقوع و پایان جهان می باشد ولی اسمی از آن برده نشده ولی کاری را که انجام می دهد نوشته شده

که (آنحس از آسمان نازل شد و در خانه بی خون تبدیل گشت)



ما می توانیم خود بزرگیم که این شخص کسی مثل ایلیا یا موسی است که در مکانی نزل کرده

من احساس می کنم برای ما که بیرون واقعی عیسی مسیح هستیم امتیاج پشاه در بزرگی نزاریم مطلقاً  
قبول کرده ایم که عیسی مسیح است و پسر خداوند است

یهودیان (بجز آنانی که عیسی مسیح را پذیرفته اند) یقیناً از اینگونه پیامبر (ایلیا) استفاده می کنند  
چون یهودیان منتظرند که عیسی مسیح ظهور کند و عیسی مسیح که ظهور کرده اعتقاد دارند

نتیجه گیری من این است که شاید ایلیا ظهور کند تا یهودیان را معنیه سازد که همان عیسی مسیح  
تغیامیه و راه نجات است (عیسی که ظهور کرده)

برای ما ایمان داران به مسیح جالب است که ایلیا به عنوان شاه افروزمان به ما معرفی شده است

و این کار ما است که به مردم بگوییم که عیسی مسیح دوباره بار ظهور کند و سعی کنیم که به مردم نشان  
دهیم که برای بار دیگر او خود را آماده کند

زیرا آن روز روز بزرگ خداوند و نیز روز وحشت خواهد بود

من فکر می کنم که این مطالب ما را دعوت به خواندن کتاب مقدس و ادبیات یهودی کند  
و نباید توقع داشت که دهیتاً همه چیزاً طبق گفته کتاب و به آن شکل به وقوع پیوندد  
این یک کتاب ریاضی است مثل  $2 \times 2 = 4$

زبان و موهبت برین معنی است که ما باید بیسته کوشش کنیم هم از لحاظ تاریخی و هم نوشتاری  
تا که بفهمیم این نوشته ها در کجا مانند صحرای بائنه و در کجا کلمه ها و در کجا روایاها و یا  
بیخاصها و در کجا روایای های خداوند و از این قبیل می باشد

این نیز استیبا هست که فکر کنیم همه چیز بصورت واقعی و یا محیل شده در دوران تاریخ  
می باشد

در بعضی مواقع آشکاری باشد صحتی 3 مانده صورت واقع کنیم که عیسی برای گفته هارشی

از مثال استفاده می کند (verse 3) کشاورزی وجود ندارد که



دانه‌ها را بیاید این برای درس دادن و نشان دادن به دیگران به عنوان واقعیت بود  
نباشی برای مشاهده زندگی

ولی درستی 14 گزارش کرده بصورت اتفاق تاریخی ما چیزی را می‌فوانیم که خارج از تک  
اتفاق حلبی است یعنی ما برای حلبی (منه غذا دادن به 500 نفر یا اینکه عسبی  
روی آب راه می‌رود) ما دعوت کرده ایم که این واقعه را بصورت واقعی درک کنیم

حسنت‌های دیگر کتاب معذرس نیز بیشتر هماسی است و دانش آموختگان انجمن ایده‌های  
متفاوتی دارند. کتاب ایوب مثال خوبی است. آیا ایوب یک مرد واقعی بود؟ و یا این  
توضیحی که در کتاب داده شده اتفاق افتاده؟

حنای هر نه‌ها برای یاد گرفتن در متن وجود دارد ولی من فکری کنم برای یادگیری باید تمرکز بیشتری در  
متن‌ها داشته باشیم حوازی و یا همان داستان‌ها را باید با روشی و ذهنی بالا مطالعه  
کنیم

هر چه که باشد این کتاب - هنر بیخام خداست و ما می‌توانیم واقعیت‌های صحیحی را در باره خداوند  
بدرایم و همچنین حکومتی را بچله ما با او